

آینه

دیکتاتوری

نام‌بیماری:دیکتاتوری
حاد

حسین علوی؛ براساس آنچه تاکنون تنها بخشی از پرونده اتهامی چندین هزار صفحه‌ای مهدی هاشمی نشان داده، پسر آقای هاشمی‌رفسنجانی حداقل در یک مورد، تأکید می‌شود که حداقل در یک مورد، رشوه گرفته است. به نظر می‌رسد این موضوع در افکار عمومی به‌عنوان یک اتفاق عجیب دریافت نشد؛ چراکه سالیان سال است در جامعه ایرانی نسبت به این پسر آقای هاشمی‌رفسنجانی اتهامات اقتصادی فراوانی مطرح شده است. با این حال اما رفتار آقای هاشمی در قبال پرونده اتهامی فرزندش نشان داده است دیکتاتوری حاد که در فتنه ۸۸ یک‌بار به‌صورت کلی قانون را زیرپا گذاشت. در این مورد نیز به‌صورت مصداقی نه‌تنها قانون را نقذیرفت بلکه تلویحا آن را در مضان اتهام قرار داد. او در میانه دادگاه پسرش، تلویحا مدیران دستگاه قضایی را به اعمال فشار متهم کرد و گفت اگر برای حکم فرزندش «ا بالا» فشار بیاورند، او ساکت نمی‌نشیند. در واقع او برای واکنش خود توجیه ساخت تا وجه دیگری از دیکتاتوری حاد به نمایش گذاشته شود. اظهارات خانم عفت مرعشی درباره حکم دادگاه پسرش نیز در همین قاعده قابل ارزیابی است و نشان‌دهنده فراگیربودن این خصیصه در این خاندان است.

نابرابری شرایط رقابت

آذر منصوری؛ جریان رقیب همواره از دو اهرم و رهبر در برای اینکه اصلاح‌طلبان نتوانند در انتخابات حضور جدی داشته باشند بهره گرفته است. اولاً اینکه جریان رقیب تلاش می‌کند به هر شکل ممکن در این جریان ایجاد شکاف و دودستگی کند. موضوع دوم نوع بررسی صلاحیت‌هاست و این واقعیت که اصلاح‌طلبان هیچ‌گاه از زمین برابری برای رقابت در این انتخابات و ادوار گذشته انتخابات برای معرفی چهره‌های اصلی خود برخوردار نبودند. این مانع همچنان به‌عنوان یک بحث جدی برای انتخابات مجلس دهم وجود دارد. در خصوص بی‌طرفی نهادهای نظارتی همچنان مانع بزرگ در پیش‌روی اصلاح‌طلبان وجود دارد. طبیعی است که بخشی از تلاش احزاب و شخصیت‌های این جریان باید برای رفع این مانع و چانه‌زنی با بالا باشد. باید تلاش شود تا نهادهای نظارتی و مجری انتخابات کاملاً به نقش قانونی خود عمل کنند.

جنگ با عدالت تاکجا؟

پدالله جوانی؛ای‌کاش خانواده هاشمی از حکم دستگاه قضا در راستای تحقق عدالت، استقبال می‌کرد و از این حیث در آزمون عدالت موفق می‌شد. اما متأسفانه نه‌تنها این اتفاق نیفتاد، بلکه خانواده هاشمی و خصوصاً همسر آقای هاشمی، سخنان نامناسبی را بر این جاری ساختند. عفت مرعشی، همسر رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام در پاسخ به این پرسش که «نظر شما درباره حکم مهدی هاشمی چیست؟» می‌گوید: «حکم آقای هاشمی نامناسبی را بر این جاری ساختند. عفت مرعشی، همسر رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام در پاسخ به این پرسش که «نظر شما درباره حکم مهدی هاشمی چیست؟» می‌گوید: «حکم آقای هاشمی یعنی تقلب، تقلب، پدرسوخته بازی. بروید و همین را بزنید. بروید بنویسید که خانم هاشمی گفت که پدرسوخته بوده، کم‌کمش پدرسوخته‌بازی بوده و حکم نیست».

آقاب

تذکره‌های تشکر

فاطمه راکعی؛ من تعجب می‌کنم از زنانی که به مجلس راه پیدا کرده‌اند و عنوان نمایندگی مردم را به دوش می‌کشند تا این حد از مسائل روز دنیا و جامعه ما و از آن بالاتر مسائل بدیهی اسلام و قانون اساسی ما بی‌خبرند. تعجب من این است که بسیاری از اموری که نمایندگان مستقیم زنان باید بر دوش بکشند به گردن معاونت امور زنان افتاده، حال به‌جای تشکر، تذکر می‌دهند؟ هر چند این اولین‌بار نیست و بارها با حیرت شاهد بودیم که برخی از نمایندگان زن که خود نماینده مجلس‌اند کار زنان را بچه‌داری و خانه‌داری مطرح کرده‌اند. این یک تناقض آشکار در رفتار این نمایندگان زن است.

تاریخ

داشتن وکیل حق شهروندی است

پیمان حاج محمود عطار؛ طبق منشور حقوق بشر که دولت ایران به‌عنوان عضو سازمان ملل متحد به آن پیوسته است و همچنین دو میثاق حقوق مدنی و سیاسی و میثاق حقوق اجتماعی و اقتصادی که قوه مقننه ایران الحاق دولت ایران را به این دومیثاق تصویب کرده است، قوانین داخلی کشور ایران باید مطابق با منشور حقوق بشر و دو میثاق بین‌المللی پیش‌گفته باشد. مجلس قانونگذاری ایران نمی‌تواند قوانینی تصویب کند که مغایر با تعهدات بین‌المللی حقوق بشر و دو میثاق یادشده باشد. نیز در شرع مقدس اسلام قاعده کلی، حکایت از این دارد که هر شخصی می‌تواند به شخص دیگر در خصوص حقوق و تکالیف خود وکالت و تفدیع اختیار کند. همچنین نمی‌توان برای وکیل گرفتن یا وکیل‌شد محدودیتی قایل شد. مطابق اصل ۳۵ در قانون اساسی، جمهوری اسلامی ایران برای همه شهروندان ایرانی حقی قایل شده است که از بین وکلای دادگستری که دارای پروانه وکالت هستند برای دفاع از حقوق خود در محاکم و مراجع قضایی اعم از داسرو و دادگاه، وکیل انتخاب کنند.

وقتی انگشت جوهرآلودش بالا رفت و برگه رأی که روی آن نوشته شده بود: «محمود احمدی‌نژاد» توسط دوربین عکاسان ثبت شد، سوم تیر ۱۳۸۴ بود. تابستان ۱۰ سال پیش، مردی ایستاده در صف، تکیه‌زده به دیوار مسجد جامع نارمک، با کاپشنی خاکی‌رنگ و لیخدی رب لب و حلقه دوستانی که در کنارش ایستاده و در روزهای داغ تابستان در انتظار شنیدن اخباری دلگرم‌کننده برای سرنوشت سیاسی‌شان بودند. روز سوم تیر، دور دوم انتخابات نهمین دوره ریاست‌جمهوری، شهردار تهران، کنار مردی قdblند و لاغراندام، که رئیس ستاد انتخاباتی‌اش بود و عضو شورای دوم شهر، به دوربین‌ها و خبرنگاران لیخند می‌زد و جملاتی را تکرار می‌کرد و دوستان و همراهانش در اطراف او حلقه زده بودند. احمدی‌نژاد در مسیر «بهشت» به «پاستور» بود…

آغازش چگونه بود؟

پیدایش او ناگهانی نبود. ظهور و بروزش نه اتفاقی که برآمده از فصل و انفعالات پیچیده و گسترده در جریان محافظه‌کار بود که اکنون با پوست‌اندازی، به «اصولگرایی» تغییر نام داده بود، جریانی که نطفه‌اش از اوایل دهه ۷۰ در قالب سبّیز یا دولت هاشمی‌رفسنجانی و نیز فضای فرهنگی- اجتماعی پس از جنگ اندکاندک بروز کرد. در همان دوره که راست‌گرایان با نشریه «صبح» مهدی نصیری و حضور گاه و بی‌گاه خیابانی در عرصه ظاهر می‌شدند، احمدی‌نژاد در سکوت و در میانه مرزبندی سیاسی- هویتی به‌کار خود بود. شاید روز سوم تیر، تکیه‌زده به دیوار، عیب‌د می‌آورد که در دور دوم ریاست‌جمهوری هاشمی‌رفسنجانی در همین مسجد در ستاد انتخاباتی آیت‌الله، برای پیروزی او تلاش کرده است. در این مقطع، به‌ظاهر مرزبندی سیاسی روشن نبود اما رخداد‌های سیاسی بعدی، هویت و ماهیت جریان‌ها را آشکارتر کرد. انتخابات مجلس پنجم شورای اسلامی و دوم خرداد ۱۳۷۶ فرصتی بود که جریان نوظهور سیاسی از وضعیت اولیه فاصله بگیرد و در اردوگاه راست تثبیت شود. در همان زمان که رئیس دولت اصلاحات با چالش‌های ریز و دشت دست‌وپنجه نرم می‌کرد، آرایش جدیدی میان جریان مخالف اصلاحات شکل می‌گرفت.

راست سنتی با گروهی از نیروهای پایین‌دستی طیف خود-روپس‌ر بود که هرچه می‌گذشت کمتر حاضر به گردن‌گذاشتن به قیادت زعمای طیف خود بودند. عبدالرضا داورمی می‌گوید: «پس از سال ۱۳۷۸ و حادثه کوی دانشگاه، حرکت اصولگرایان برای انسجام آفتاز شد. شروع کار، حسین شریعتمداری در روزنامه کیهان جلساتی را با روزنامه‌های همسو برگزار می‌کرد». این جریان با توسعه اقتصادی هاشمی همان اندازه در چالش بود که با توسعه سیاسی خاتمی مشکل داشت. محمود احمدی‌نژاد - میوه رسیده این جریان - سوم تیر ۱۳۸۴ در مسجد جامع نارمک آماده دیده‌شد بود. او در افشاکری سخت بی‌باک بود. گفت‌مان تللیغی‌اش به‌گونه‌ای بود که هاشمی را نماد «سیستم» و خود را «آنتی‌سیستم» معرفی می‌کرد. چنان‌که هم‌پیمان او، علی‌اکبر جوانفکر، در سال‌های بعد در سرمقاله روزنامه ایران، هاشمی‌رفسنجانی را «بت بزرگ» می‌خواند.

ایجاد فضای دوقطبی با هاشمی، برای احمدی‌نژاد ۱۷ میلیون رای به ارمغان آورد. این تجربه در مذاق او چنان خوش نشست که تا آخرین روز دولت خود، همچنان سعی بر سوارشدن بر موج همین فضای دوقطبی داشت. البته احمدی‌نژاد پیش از شیرینی سوم، طعم تلخ شکست را تجربه کرده بود. سال ۱۳۷۸ بود که در قالب یک نامزد متعلق به جناح راست، نتوانست به مجلس ششم راه پیدا کند. بازخوانی تجربیات این ناکامی را سرمایه‌کامیابی در دومین دوره انتخابات شوراها کرد؛ جایی که از فهرست ۱۶نفره «اتلاف جمعیت آبادگران ایران اسلامی» ۱۵ نفرشان وارد شورای شهر شدند و بعد احمدی‌نژاد شهردار پایتخت شد. احمدی‌نژاد هرچند حمایت صریح راست‌سنی را پشت سر نداشت، اما راست جدید، که استخوان‌بندی آن را جمعیت اپاتارگران انقلاب اسلامی (با محوریت حسین فدایی و الیاس نادران) و جمعیت رهپویان (با محوریت علیرضا زاکانی، الیاس نادران و مهدی طائب)، تشکیل می‌داد، قرابت نزدیکی با او داشت. اولین کنگره رسمی این تشکردها در سال ۸۷ برگزار شد اما شروع فعالیت این افراد به یک دهه قبل برمی‌گشت.

درقاب‌زندگی

سال ۱۳۳۵ بود که در ارادان، از توابع گرمسار استان سمنان به‌دنیا آمد و یک‌سال بعد، خانواده او راهی تهران شدند. سه سال مانده بود به پیروزی انقلاب اسلامی که محمود احمدی‌نژاد در رشته عمران وارد دانشگاه علم و صنعت شد. با پیروزی انقلاب به‌عنوان نماینده دانشگاه علم و صنعت در جلسات انجمن‌های اسلامی دانشگاه‌ها شرکت می‌کرد. در آن زمان در نشریه «جیج‌دوداد» با دیگر فارغ‌التحصیلان دانشگاه علم و صنعت چون مجتبی ثمره‌هاشمی کار می‌کرد. این نشریه را ابراهیم اسفندیلیان از استادان دانشگاه علم و صنعت - طرفدار احسن آیت - منتشر می‌کرد. ثمره‌هاشمی، قبل از ۱۳۸۴ سمت‌هایی چون شهردار سنجند، مشاور سیاسی استاندار کردستان، قائم‌مقام دانشگاه آزاد کردستان، مدیرعامل آیت‌ساز، مدیر کل ارزشیابی وزارت امور خارجه، مشاور حوزه برنامه‌ریزی صداوسیما و معاون آموزش‌شی و سپس رئیس دانشکده صداوسیما را برعهده داشت. او در دولت نهم علاوه بر پست مشاور رئیس‌جمهور، مدتی معاونت سیاسی وزارت کشور را نیز برعهده داشت.

بعدها احمدی‌نژاد و دوستش به طیفی پیوستند که طرفدار انقلاب فرهنگی بودند. او در دوران فراغت از تحصیل به پیشنهاد مرحوم مهدوی‌کنی، وزیر وقت کشور، برای پرکردن خلا نیروهای اجرایی در استان‌ها

سیاست



مرور واقعه سوم تیر پس از یک دهه

احمدی‌نژاد چگونه احمدی‌نژاد شد

لیلا ابراهیمیان

راهی شمال‌غرب کشور شد. در زمان استانداری ثمره‌هاشمی در آذربایجان غربی، فرماندار ماکو و بعد خوی شد. از علم و صنعت دانشجوی دیگری هم راهی ارومیه شد: صادق محصولی، فرماندار ارومیه و بعد معاون سیاسی استاندار استان آذربایجان غربی. پس از تصمیم سپاه مبنی‌بر تشکیل ستاد مناطق دگانه، فرماندهی منطقه ۵ (استان‌های آذربایجان شرقی، غربی و اردبیل) به محصولی سپرده شد. او سپس به اولین تیپ ۵۵ ویژه پاسداران رفت. بعدا در سال ۱۳۸۴ برای پست وزارت نفت به مجلس هفتم معرفی شد. ولی ناکام ماند. محصولی در آبان ۸۷ پس از استیضاح و برکناری علی کردان برای تصدی پست وزارت کشور به مجلس معرفی شد. پرویز فتاح از دانشجویان صنعتی شریف که مسئول کمیته جهاد سازندگی استان آذربایجان غربی بود در این تیپ به او پیوست. بعدها تیپ ۵۵ در پی ادغام با تیپ ۶ ویژه سپاه پاسداران تغییر نام داد و احمدی‌نژاد مسئول رزمی این تیپ شد. به این ترتیب اولین یاران احمدی‌نژاد دورهم جمع شدند و بعدها اسفندیار رحیم مشایی» هم به‌واسطه عضویتش در شورای تأمین استان به این طیف پیوست. زمان گذشت و احمدی‌نژاد معاون سیاسی استاندار کردستان شد؛ جایی که ثمره‌هاشمی هم مدتی معاون سیاسی استاندار بود و مدتی مشاور و شهردار سنجند. مسعود زریباف معاون عمرانی استانداری، شهرداری و معاونت فرمانداری مهاباد را تجربه می‌کرد. بعدها اسفندیار رحیم‌مشایی هم از وزارت اطلاعات به‌عنوان «مسئول تدوین استراتژی نظام جمهوری اسلامی در خصوص اکراد ایرانی» به سه کارمند وزارت کشور پیوست و اینچنین حلقه کردستان هم تکمیل شد. با پایان جنگ، احمدی‌نژاد به دانشگاه علم و صنعت برگشت و تحصیل و تدریس را شروع کرد و در نهایت در سال ۱۳۷۶ از دانشگاه علم و صنعت دکتری مهندسی برنامه‌ریزی حمل‌ونقل و ترافیک گرفت. در سال ۱۳۷۲ و در دولت دوم اکبر هاشمی رفسنجانی، احمدی‌نژاد به اردبیل رفت. در دوران استانداری او، افراد جدیدی به حلقه دوستان نزدیک احمدی‌نژاد اضافه شدند: علی‌اکبر محرابیان و علی نیکزاد. محصولی در این‌دوران مجری طرح سوآب نفتی شد. این باران بعداً وزارت صنایع، مسکن و کشور را در اختیار گرفتند. در این زمان احمدی‌نژاد سه بار به‌عنوان استاندار نمونه کشور انتخاب شد. او بعدا در سال ۱۳۷۸ به‌عنوان استاندار سابق اردبیل، یکی از شاکیان روزنامه سلام بود. در زمستان سال ۱۳۸۱ و نزدیک‌شدن به انتخابات دوم شهرها‌های اسلامی شهر و روستا، احمدی‌نژاد در مرکز فعالیت‌های انتخاباتی جناح محافظه‌کار قرار گرفت، بدون آنکه نامی از او برده شود. جناح راست که در آن انتخابات زیر نام جمعیت آبادگران در انتخابات شرکت کرده بود، در بی‌شرکت پایین مردم تهران، توانست کرسی‌های شورای شهر تهران را در اختیار بگیرد و اینچنین محمود احمدی‌نژاد در اردیبهشت‌ماه ۱۳۸۲ شهردار تهران شد. در این دوره حلقه کردستان، علم و صنعت و اردبیل دیگرار به او پیوستند و الگوی حلقه بهشت ریخته شد؛ حلقه‌ای که نمونه کوچک حلقه بعدی، یعنی حلقه یاران پاستور بود. تلاش سیاسی احمدی‌نژاد با این پیروزی متوقف نشد و جناح اصولگر، کمتر از یک سال بعد، در شرایطی ویژه مجلس هفتم را در اختیار گرفت و حداقل‌عادل رئیس مجلس شورای اسلامی شد. اکنون اعتمادبه‌نفس لازم

کمیت۶ نفره در برابر دولت

مهدی طائب، عضو «جمعیت رهپویان انقلاب اسلامی»، درباره رئیس‌جمهوری‌شدن احمدی‌نژاد گفته: «سال دوم رئیس‌جمهوری خاتمی، جریان حزب‌الله به این فکر افتاد که اگر روند حاکم به همین ترتیب به جلو حرکت کند، جریان خاتمی نظام را از بین خواهد برد، بنابراین گفتند جریان حزب‌الله باید ورد پیدا کند تا بر جریان انتخابات سلطه مردمی پیدا کند و در انتخابات پیروز شود، بنابراین یک گروه هزارنفره از سراسر کشور جمع شدند و از میان آنها ۳۰۰ نفر و زین بین آنها گروه ۱۶ نفره‌ای تشکیل و جلساتی برگزار شد که در این اندیشه بودند چگونه می‌توانند در جریان انتخابات ریاست‌جمهوری، در انتخاب مردم مؤثر باشند، یکی

افراد آن گروه احمدی‌نژاد بود. در این جلسه آقایان احمدی‌نژاد، فدایی، توکلی، باهنر، رحیم‌پور، مرتضی نبوی، زاکانی و یک نماینده از تلویزیون آمده بودند؛ تنها نکته مطرح این بود که چگونه بر اوضاع سلطه پیدا

احمدی‌نژاد در سال ۸۴ در شرایطی به قدرت رسید که در میان نیروها، ناظران و تحلیلگران سیاسی و نیز در میان کاندیدا و نماینده جریان‌ها حاضر در انتخابات خیلی‌ها او را گزینه‌ای جدی و حتی گزاره‌ای قابل تحلیل نمی‌یافتند. تنها نیروی شناخته‌شده‌ای که به حمایت از احمدی‌نژاد پرداخت؛ محمدتقی مصباح‌یزدی و حلقه نزدیک یاران او در قم (حلقه پرتو) بود، اما در عمل نیروی کمتر شناخته‌شده، ولی فعال دیگری از احمدی‌نژاد حمایت می‌کرد. او خود جزء مؤسسان جمعیت اپنارگران و عضو جامعه اسلامی مهندسين بود و حمایت آنها را نیز داشت. همچنین اتحادیه جامعه اسلامی دانشجویان که در سال ۱۳۶۸ توسط محمد نصر افغانی، مهدی فغانلی، امیرحسین درخشان، محمدصادق شهنشاید و احمدی‌نژاد حمایت کرد. این تشکل اولین‌بار از جامعه روحانیت مبارز حمایت کرد. در انتخابات پنجم و ششم ریاست‌جمهوری از آیت‌الله هاشمی رفسنجانی، در سال ۱۳۷۶ از حجت‌الاسلام‌والمسلمین ناصر توکلی، در انتخابات نهم و دهم از احمدی‌نژاد و در سال ۱۳۹۲ از سعید جلیلی حمایت کرد. بعدا تعدادی از اعضای اتحادیه در پست‌های میانی و بالای مدیریتی با دولت احمدی‌نژاد همکاری کردند. آمدن احمدی‌نژاد اگر برای برخی اصولگرایان غیرمنتظره بود، اما تحقق چیزی بود که آرزویشان را داشتند و شاید انتظار داشتند که در سال ۸۰ بتوانند به جای دولت اصلاحات بنشینند. علیرضا زاکانی، دبیرکل جمعیت رهپویان انقلاب اسلامی، می‌گوید: «تغییراتی که بعد از موفقیت خاتمی در کشور به راه افتاد تغییراتی بسیار جدی بود و اشکالات بسیار اساسی را ایجاد کرد». او که در سال ۸۴ رئیس ستاد

قالیاب بود می‌گوید: «در سال ۸۳ یک چارچوب تنظیم شد و در واقع در شورای هماهنگی نیروهای انقلاب پنج نفر نامزد ریاست‌جمهوری وارد عرصه رقابت شدند و قرار شد طبق نظرسنجی‌ها کسی که بالاتر است به‌عنوان کاندیدای نهایی انتخاب شود. در ۲۷ آذر در یک جلسه به خاطر اتفاقاتی که رخ داده بود، آقای ولایتی کناره‌گیری کرد و دوستان برخلاف وعده‌های خود در ۲۱ اسفند سال ۸۳ رایجانی را زودتر از موعد به‌عنوان کاندیدای نهایی برگزیدند که باعث جدایی آقایان توکلی، رضایی، احمدی‌نژاد و قالیاب از آنها شد و این چهار نفر ائتلاف جدیدی را شکل دادند. همه این نامزدها میثاق‌نامه‌ای را امضا کردند و حتی احمدی‌نژاد به جای یک‌بار، دوبار امضا کرد و در نهایت پنج نفر به‌عنوان مرضی‌الطرفین انتخاب کردند که بنده نیز یکی از آنها بودم. بر این اساس در ستاد آبادگران رای‌گیری و چمران به‌عنوان سخنگوی آبادگران و بنده نیز مسئول ستاد

اجرائی آن شدم».

ازباهررسیدم اینها کیستند؟

امیر محبیان، مؤسس حزب نواندیشان، روایت می‌کند: «احمدی‌نژاد به‌دلیل انرژی بسیار بالایی که داشت، وقتی کاری به او محول می‌شد با تمام توان می‌ایستاد. بعدها هم در دوران ریاست‌جمهوری، این انرژی بالای خود و «پیش‌فعالی» را نشان داد. درباره شورای شهر دوم، اولین باری که من متوجه شدم مسئولیت پروژه انتخابات با دکتر احمدی‌نژاد است. زمانی بود که آقای مهندس باهنر گفت جلسه‌ای برای بررسی انتخابات در طبقه اول جامعه اسلامی مهندسین تشکیل شده و خواستند که من در آن شرکت کنم و نظر دهم. من رفتم آنجا و متوجه شدم جمع حاضر را آقای دکتر احمدی‌نژاد دعوت کرده‌است. من فقم جلسه و در آنجا دیدم چهره‌هایی هستند که گفته می‌شود اصولگرا هستند، اما من هیچ‌یک را نمی‌شناسم. من در آن جلسه درباره تاکتیک «موتور روشن- چراغ خاموش» مباحثی را مطرح کردم. گفتم به‌دلیل تبلیغات جناح رقیب و فضایی که علیه ما ایجاد شده، ظاهراً سازمان‌های رسمی جناح راست و عناوین تشکیلاتی سابق که سال‌ها با آن فعالیت سیاسی کرده و در انتخابات‌های مختلف حاضر بودند، حیوینتی ندارند یا تخریب شده‌اند. تز من این بود که برای عبور از خیابان انتخابات که برخی

هم در آن سنگ پرتاب می‌کردند، چهار حالت می‌توان داشت. با یا «چراغ روشن» و موتور روشن» رد شویم که ممکن است با سنگ‌اندازی رقیب مواجه شده و تخریب شویم. یا اینکه با «موتور خاموش و چراغ خاموش» رد شویم که علاقه‌انه نیست و بی‌تحریکی سیاسی اساسا از سوی هر جریانی قابل‌پذیرش نیست. حالت سوم این بود که با «چراغ روشن اما موتور خاموش» حرکت کنیم که نتیجه آن این بود که هم کنت را بخوریم و هم حرکتی نداشته باشیم؛ بهترین حالت، «موتور روشن و چراغ خاموش» بود و دلیل آن هم این بود که اجازه تبلیغات علیه خودمان را ندهیم. این بحث تمام شد و آقای دکتر احمدی‌نژاد هم از سخنرانی من تشکر کردند. بعد از آن با آقای مهندس باهنر صحبت کردم که چرا چهره‌های حاضر در جلسه، چهره‌های شناخته‌شده‌ای حداقل برای من در آن زمان نیستند؟ البته به‌استثنای آقایان شبانی و چمران. مهندس باهنر در پاسخ به من گفت اگر کاندیداهای ما برای انتخابات شورای دوم، شناخته‌شده باشند، علیه آنها موضع وجود دارد و در ضمن چندان هم پیروزی خوشبین نبودند. باز از آقای باهنر پرسیدم که این افرادی که در جلسه بودند چه سوابقی دارند؟ آقای باهنر پاسخ داد که اینها چهره‌هایی هستند که خود آقای احمدی‌نژاد سامان داده است و مسئولیت پروژه هم با ایشان است. آنها مثل آقایان نادر شریعتمداری با حسن زباری در دانشگاه علم و صنعت یا در جاهای دیگر با ایشان آشنا بودند و نیروهای حزب‌اللهی و متخصصی هم بودند. این روند را آقای دکتر احمدی‌نژاد با سرعت بالا ادامه داد و شوراها را در آن دوره را انتخابات، به دست آورد. بعد از انتخابات شورای دوم، طبیعتاً اولین دستور کار شورای جدید، انتخاب شهردار بود و اولین گزینه هم آقای احمدی‌نژاد بود». بعدها حسین فدایی، دبیرکل جمعیت اپنارگران، در ۳۱ خرداد ۸۴ گفته بود: «مردم و اصولگرایان با قاطعیت از احمدی‌نژاد حمایت می‌کنند». بعد از درگیری در نهایت قالیاب را به‌عنوان کاندیدای نهایی خود اعلام کردند. محبیان می‌گوید: «معتقد بودند آقای قالیاب به‌خاطر وجهه‌ای که در آن زمان داشت، به‌دست آورده و در جامعه یک نیروی فرماندهی پلیس به‌دست آورده و در نهایت قالیاب را به‌عنوان اجرائی به‌شمار می‌رود. احتمال رای آوری بیشتری دارد. اما احمدی‌نژاد هیچ‌گاه آنها را نبخشد». کار برای جریان راست و اعضای شورای هماهنگی اصولگرایان سخت شده بود و شکافی میان کسانی که کاندیداشدن قالیاب را «برگ برنده» اصولگرها ارزیابی می‌کردند (نظیر اپنارگران) و حلقه دیگر که کاندیدای نهایی خود را علی لاریجانی می‌دانستند، پدید آمد.

ناگفته‌های ناظرینوری

علی‌اکبر باقی‌نوری می‌گوید: «در انتخابات ۸۴ من آنچه وظیفه خودم می‌دانستم به‌عنوان رهبر جریان انجام دادم و شورای هماهنگی نیروهای انقلاب را خودم به کمک دوستان به وجود آوردم. قائل هم بودیم به اینکه هرکس به چهار اصل اسلام، انقلاب، امام و رهبری معتقد باشد، می‌تواند زیر این چتر قرار بگیرد. نیروهایی که بعد از دوم خرداد ۷۶ از ما باشیده شده بودند را جمع کردیم و سازمان مجددی پیدا شد. اولین گام را در انتخابات شورای شهر تهران برداشتیم که موفق هم بودیم و به‌دنبال آن در مجلس هفتم هم غلبه با همین جریان بود تا اینکه رسیدیم به بحث ریاست‌جمهوری. در قعه ریاست‌جمهوری ۸۴ ماجرا این‌گونه بود که از اصولگراها پنج‌شش کاندیدا وجود داشت و کاری که ما باید می‌کردیم این بود که بنشینیم با اینها صحبت کنیم که یا آنها را قانع کنیم که کنار بروند یا اینکه با مکانیسمی پیش باییم تا یکی از آنها در عرصه باقی بماند. آمدم و آقایان هم قبول کردند که شورای مرکزی جبهه نیروهای انقلاب به هر تصمیمی رسیدند، آنها قبول کنند… کاندیداها را در همین اتاق خواستیم با این هدف که از برنامه‌ها، اهداف و انگیزه‌های آنها باخبر شویم و کاندیداها هم آمدند و توضیحاتی دادند… آقای احمدی‌نژاد هم جزء همین کاندیداها بود. ایشان می‌گفت: «من برای اداره کشور طرح دارم و بقیه نامزدها ندارند. شما همه اجازه نمی‌دهید من طرح را بدهم».

ما با کاندیداهای دیگر دو جلسه داشتیم، با ایشان سه جلسه برگزار کردیم. یک روز به آقای باهنر گفتم یک وقتی به آقای احمدی‌نژاد به‌دیه چون می‌گویند من برای اداره کشور یک طرح ویژه دارم. زمان جلسه هماهنگ شد و ایشان به دفتر بنده آمد و مرحوم عسکراولادی، باهنر، بنده و برخی دیگر از دوستان بودند.

ادامه در صفحه ۷

آینه دیروز

۹ سال پیش درچین روزی



- در پی پیشنهادهای ۵+۱ صورت گرفت- یافشاری غرب بر دریافت پاسخ سریع از ایران- هاشمی‌رفسنجانی: «مقدمات برای مذاکرات واقعی هسته‌ای فراهم شده اما علامی مشاهده می‌شود که با اقدامات نسنجیده این فضای خوب به هم بخورد»- اتحادیه اروپا با انتشار بیانیه‌ای پس از «نشست سران اروپا- آمریکا»: ایران باید تصمیم درست و صحیحی درباره طرح پیشنهادی غرب اتخاذ کند
- جلسه مشترک دولت و مجلس برای مهار گرانی- گرانی، رودرویی شعارهای دولت
- ادامه اعتراض جامعه کارگری به کاهش دستمزدها

کیم

- ارزیابی صاحب‌نظران از انتخاب ملت در سوم تیر- احمد توکلی، نماینده مردم تهران: در سوم تیر نامزدی که با صراحت بیشتری بر ارزش‌های سیاسی انقلاب تأکید کرد موردقبال مردم واقع شد و این نشان ناراضاتی مردم از جریان لیبرال‌دموکراسی بود- مهدی کوچک‌زاده، نماینده مردم تهران: احمدی‌نژاد نشان داد که فقط به‌دنبال خدمت به مردم است و رهبر معظم انقلاب اسلامی نیز به دیدار اخیر با کارگزاران نظام به این موضوع به‌خوبی اشاره کردند- قدرت‌الله علیخانی، نماینده مردم بوین‌زهرا: شعارهای احمدی‌نژاد برای مردم جاذبه فراوانی داشت، چراکه ساده‌زیستی، عدم اختلاف طبقاتی، عدالت و مهرورزی خواست همه ملت ایران بود

سورق

- ۵۵ مصوبه دولت در همدان- رئیس‌جمهور روز پنجشنبه در جمع مردم ملایر با تأکید بر اینکه «ملت ما در مقابل ظلم‌ها و ستم‌ها می‌ایستد» خطاب به قدرت‌مدن جهان گفت: «پیام ملت ایران به سایر ملت‌ها این است که به راه خدا و انبیا برگردید؛ در غیر این صورت سرنوشتی همچون فاسدان گذشته پیدا می‌کنید»
- حدادعادل: گرانی‌ها را بزرگ نکنید
- افتخاری برای ائمه می‌خواند
- کرمی: برانکو عادل نبود

زارت

- هاشمی‌رفسنجانی در خطبه‌های نماز‌جمعه تهران- مقدمات مذاکرات واقعی فراهم شده است- رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام با اشاره به اینکه درحال حاضر فضا برای مذاکره واقعی آماده است و امیدواریم با مدیریت شایسته این مسئله هرچه‌زودتر به نتیجه نهایی برسد، گفت: این پرونده، پرونده سخت و حساسی است و کشورهای دنیا و خود ایران نگران این مسئله هستند

- [احمد] توکلی: دوم‌خردای‌ها از سوم تیر درس نگرفتند

انتق

- لاریجانی در گفت‌وگو با روزنامه انگلیسی گاردین: مسئله هسته‌ای فقط یک بهانه است- اگر پیش‌شرط می‌گذارند برای چه مذاکره کنیم؟ - اگر رفتار و استراتژی آمریکا تغییر نک گفت‌وگوی تلفنی موردی ندارد
- [عبدالله رمضان‌زاده] سخنگوی دولت پیشین: رای‌ها متفرق شد، در انتخابات شکست خوردیم- بحث سهام عدالت در دولت خاتمی مطرح شد، اما آقای خاتمی گفت نمی‌شود کار غیرکارشناسی انجام داد

جموئی اسلامی

- هشدار آیت‌الله هاشمی‌رفسنجانی به غرب در نماز‌جمعه تهران- کره هسته‌ای را که با دست باز می‌شود به دندان‌ها نسپارید
- رئیس کمیسیون اقتصادی مجلس: دولت اگر تعرفه‌ها را کاهش ندهد، مجلس وارد عمل می‌شود
- پانزدهمین دستاورد جلسه استانی هیات دولت- ۵۵مصوبه دولت با تخصیص ۲۱۹میلیارد ریال برای استان همدان
- رئیس ستاد مبارزه با قاچاق فرآورده‌های نفتی خبر داد- سالانه یک میلیارد دلار فرآورده‌های نفتی قاچاق می‌شود

اطلاعات

- پیشنهاد وزیر کار به مجلس برای تغییر ۶ ماده از قانون کار- [اولی ملکی، مخر کمیسیون صنایع و معادن: «وزیر کار معتقد شد که شرکت بیمه باید از صرف بیمه‌گذاری به شرکت سرمایه‌گذاری تبدیل شود»
- تحرك جدید سیاسی برای حل مسئله هسته‌ای ایران- خاویر سولانا برای گفت‌وگو درباره طرح پیشنهادی گروه ۵+۱ به تهران می‌آید- کوفی عنان: تهران مجموعه پیشنهادی را بسیار جدی گرفته است
- کندیدای وزیر بهداشت به معاون رئیس‌جمهوری غنا نیروزاگه اتمی پوشهر سال آینده به بهره‌برداری می‌رسد
- نخست‌وزیر عراق، طرح آشتی ملی را فردا به پارلمان این کشور ارائه می‌کند
- تهیه و تنظیم: کیهان کیانی**